

## این همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

منبع: سایت زیتون، روز جمعه، مورخ: ۹۸/۹/۱

«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت

هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان

نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین

درختان اسکلت‌های بلور آجین

زمین دلمرده، سقف آسمان کوتاه

غبار آلوده مهر و ماه

زمستان است»

بیش از پنج روز است که ایران‌زمین حال خوشی ندارد و بوی باروت و خون و گلوله، فضای شهرهای مختلف را آکنده و پر کرده است. چهار روز است که اینترنت قطع شده و اخبار دقیق و درستی از داخل کشور به گوش ساکنان این سوی کره خاکی نمی‌رسد. به گزارش «سازمان عفو بین الملل»، دست کم ۱۰۶ نفر طی چند روز گذشته در ۲۱ شهر کشور کشته شده‌اند؛ خبر تلخ و تکان دهنده‌ای است. اعتراضاتی که در واکنش به گران شدن بی‌مهابا و ناگهانی قیمت بنزین در اقصی نقاط کشور گُر گرفته و سر برآورده، بدینجا رسیده است. برای امثال من که متعلق به قشر متوسط شهری هستیم و اعتراضات سال ۸۸ را خوب به خاطر داریم و در برخی از راه‌پیمایی‌های اعتراضی که به نحو مسالمت‌آمیز برگزار شد، شرکت کردیم؛ روشن است که حمله به بانک‌ها و فروشگاه‌ها و پمپ‌بنزین‌ها و آتش زدن آنها، امر ناروا و ناموجهی است و گرهی از کار فروبسته ما نمی‌گشاید و به بسط و نشر ناامنی و خشونت دامن می‌زند؛ کاری که عموم معترضان آن سال‌ها بدان باور نداشتند و مرتکب نشدند.

از سوی دیگر، هر چند اکثر اعتراض‌کنندگان این ایام در شهرهای ملتهب کشور، متعلق به قشر ضعیف اقتصادی هستند و دست زدن به خشونت از سوی ایشان (در فقدان اطلاعات موثق و معتبر، واقعا نمی‌دانیم چه میزان از خرابی‌های بار آمده توسط شهروندان عادی و معترض صورت گرفته و چقدر توسط غیر معترضان)، راهی به جایی نمی‌برد و بر میزان نا آرامی‌ها می‌افزاید؛ در عین حال، استفاده از ابزار سرکوب سنگین و روشمند و گسترده توسط نیروهای امنیتی و انتظامی، امری که در سال ۸۸ نیز با گوشت و پوست و خون خود آن را آزمودیم، راه چاره نیست و مع‌الاسف کینه بر کینه می‌افزاید و فضا را کدرتر و تیره‌تر می‌کند. تاکید بر شرایط بغرنج و پیچیده منطقه خاورمیانه و فضای بین‌المللی از سوی مسئولان و برکشیدن و برجسته کردن تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا نیز استفاده از خشونت در این سطح و حجم را موجه و مجاز نمی‌کند. افزون بر این، تناظر سازی اعتراضات اقتصادی مردمان جان به لب رسیده با «عملیات فروغ جاویدان» و «عملیات مرصاد»، توسط مشاور رئیس‌جمهور، اسباب تأسف و تأثر است و آشکارا حکایت از این امر می‌کند که دست کم، برخی از دولت‌مردان، حق اعتراض برای شهروندان

بی‌پناه را عملاً به رسمیت نمی‌شناسند و با انگ و برچسب‌زدن و پرونده‌سازی، در پی مرعوب کردن و به حاشیه راندن هم‌وطنانی‌اند که در شهرها و استان‌های متعدد به ستوه آمده و وضعیت معیشتی نابهنجار و نابسامان خود را فریاد کرده‌اند:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل  
زین تغابن که خرف می شکند بازارش

حمایت برخی از خارج‌نشینان از اعتراضات اخیر که سودای براندازی جمهوری اسلامی را در سر می‌پروراند، مجوز سرکوب شهروندان معترض را به حکومت نمی‌دهد و خون‌های به ناحق ریخته شده را موجه نمی‌کند؛ نباید این امور را به هم آمیخت و احکام آنها را با یکدیگر خلط کرد. کسانی می‌توانند با مشی و مرام سیاسی گروه‌هایی نظیر سلطنت‌طلبان و همچنین اپوزیسیونی که دل به تحریم‌های دولت ترامپ بسته‌اند و فروپاشی نظام را به هر قیمتی آرزو می‌کنند، به نحو جدی مخالفت کنند (نظیر نگارنده این سطور)، و درعین حال منتقد نحوه مواجهه حکومت با مخالفان و معترضان باشند.

وضعیت اقتصادی مردمان بسیاری در داخل کشور بد است؛ تا این شرایط از سوی حاکمان به جدّ به رسمیت شناخته نشود و چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود؛ در بر همین پاشنه می‌چرخد و پس از فروخوابیدن آتش و دود این روزهای پر تب‌وتاب، پس از چندی، به بهانه‌ای، دوباره دیگر سر بر می‌آورد. اگر پیشتر فاصله میان اعتراضاتی در این ابعاد، ده سال بود (سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸)، اکنون به دو سال رسیده (۱۳۹۶ و ۱۳۹۸) و چه بسا در آینده کمتر شود. برگشتن به سمت قاطبه مردم و به رسمیت شناختن درد و رنج ایشان و فرافکنی نکردن و فرو نهادن ابزار سرکوب فراگیر و باز کردن رسانه‌ها و مجاری اطلاعاتی و به رسمیت شناختن حقوق بنیادین تمام شهروندان (از جمله حق اعتراض مدنی) و تغییر برخی سیاست‌های کلان سیاسی و اقتصادی کشور که مسبب این وضعیت تلخ و اسفناک گشته، تنها راه برون رفت از این وضعیت است و لاغیر، که «زین روش بر اوج انور می‌روی». در غیر این صورت، همان‌گونه که که آتش زیر خاکستر سال ۹۶، اینگونه سر برآورد و کثیری را غافلگیر کرد، در آینده‌ای نه چندان دور، نارضایتی‌های عمیق اخیر شهروندان، به نحوی دیگر بروز و ظهور می‌یابد و صدمات مالی و جانی بیشتری برای مملکت و ملت به بار می‌آورد.

طی چند روز گذشته، با رصد کردن اخبار مربوط به حجم بالای کشته شدگان و مجروحان و بازداشت‌ها، با یادآوری «ناتوانی دست‌های سیمانی» خویش، بیشتر پریشان و پاشان و مغموم گشتم و تلخ‌کامانه و حسرت‌ناکانه، به سروقت جان جهان رفتم و زیر لب با خود زمزمه می‌کردم:

چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش

وین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست

این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمتست

کین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

زخم‌های نهان و آشکارِ بسیاری، طی روزهای اخیر، آتش در خرمنِ خانواده‌های متعددی افکنده است. با خانواده‌های داغدار و مصیبت‌دیده این ایام عمیقاً ابراز همدردی می‌کنم و خود را در غم ایشان شریک می‌دانم و پیام تسلیت خود را به گوش باد صبا می‌خوانم تا مگر به گوش ایشان رساند: ای صبا ای پیک دور افتادگان اشک ما بر خاک پاک او رسان.